

رژیم امنیتی ناتو و نقش آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

رحیم پیری^۱، علیرضا رضایی^۲

چکیده

با فروپاشی اتحاد شوروی، بویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، ناتو با هدف تطبیق نقش و مأموریت‌های خود با شرایط بحرانی جهان، دو موضوع اساسی تغییر مفاهیم و مفهوم‌سازی جدید و حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد را در دستورکار آن سازمان قرار گرفت. در این رهیافت جدید، تروریسم جایگزین کمونیسم و راهبرد آن از دفاع جمعی به امنیت جمعی تغییر یافت؛ که ناظر بر وظایف و اختیارات سازمان ملل، بویژه شورای امنیت است. تغییر اهداف و رویکردهای ناتو در شرایط نوین آثار و پیامدهای متعددی تاکنون بدنبال داشته که بازشناسی و کنکاش پیرموان آن بیش از پیش حائز اهمیت است. این پژوهش بر آن است با کاربرست نظریه رژیم بین‌المللی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی فرصت‌ها، چالش‌ها و همچنین تاثیر قدرت‌های بزرگ بویژه آمریکا بر ناتو را تبیین و با استفاده از روش تحلیلی نقش ناتو در صلح و امنیت بین‌المللی و سناریوهای احتمالی پیش‌روی آن را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ناتو در دوران پساجنگ سرد، ضمن همکاری با سازمان ملل و دیگر بازیگران بین‌المللی سرگرم تبیین نقش‌ها و حوزه‌های عملی فراتر از گذشته است که از نظر حقوقی با منشور سازمان ملل متحد در تناقض و تضاد است؛ در این زمینه آمریکا بعنوان قدرت هژمون با استفاده ابزاری از نهادهای بین‌المللی و افزایش اعضای ناتو و گسترش کمی و کیفی این سازمان در تلاش است که ناتو بتواند در آینده کارکرد سازمان ملل را برعهده گیرد.

واژگان کلیدی: رژیم بین‌المللی، ناتو، صلح، امنیت بین‌المللی

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان alavia127@gmail.com

^۲ دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

مقدمه

پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۱ پس از جنگ دوم جهانی و با هدف مهار کمونیسم شوروی، و برپایه دفاع جمعی در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی (۱۵ فروردین ۱۳۲۸) در واشنگتن دی.سی پایه‌گذاری شد؛ که در واقع ناتو مرحله سوم استراتژی بزرگ غرب بعد از طرح مارشال و مسابقه تسلیحاتی با شرق یا جنگ سرد بود که به رهبری آمریکا اجرا می‌شد. با فروپاشی شوروی و پیمان ورشو، ناتو با درک اوضاع جهانی و با تغییر هدفها و بازشناسی جایگاه خود و تبدیل رویکرد نظامی و دفاعی به رویکرد سیاسی اجتماعی، توانستند بقای این سازمان را تضمین کنند و بدنبال آن واقعه یازده سپتامبر بعنوان نقطه عطفی در روابط فرآتلانتیکی این سازمان محسوب می‌شود که زمینه حضور آن در خارج از قلمرو سنتی آن را فراهم نمود؛ و ناتو بعنوان بازوی نظامی سیاسی ساختار حاکم بر نظام مبتنی بر لیبرال دموکراسی غرب به نقش آفرینی پرداخت و در رویکرد نوین خود و بهره‌برداری از فرصت‌ها، برای انجام مطلوب کارکردهای جدید خود توانست با بازتعریف و گسترش محدوده امنیت و تهدید و انجام اصلاحات اساسی در ساختار، اهداف و دامنه فعالیت آن، ناتو را از یک سازمان منطقه‌ای به گستره جهانی تبدیل نمود و در این زمینه علاوه بر اعضا، نهادهای وابسته را سازماندهی و تشکیل دهد. بطوریکه هم اکنون ناتو با بسیاری از کشورهای جهان در زمینه‌های اطلاعاتی، امنیتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی همکاری مشترک دارد، و از سوی دیگر در برخی از کشورهای بعنوان بازوی نظامی سازمان ملل به ایفای نقش پرداخته است که شناخت رویکردهای جدید و به روز شده این سازمان و تاثیر آن بر صلح و امنیت جهانی حائز اهمیت می‌باشد. بر این اساس، این مقاله بر آن است تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد که رژیم امنیتی ناتو چه نقشی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خواهد داشت؟

روش انجام این تحقیق تلفیقی از روش‌های توصیفی، تاریخی و تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای اعم از کتب، مقاله مجلات، پایگاه نشریات الکترونیکی و اینترنت انجام می‌پذیرد.

۱- پیشینه پژوهش

پیرامون سازمان ناتو پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب، مقاله و ... انجام گرفته است. اما در اکثر آنها به تاریخچه این سازمان و مطالعه موردی آن در مورد برخی کشورها و مناطق پرداخته شده است که در ادامه به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در کتاب سبز وزارت امور خارجه با عنوان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو): که در پاییز ۱۳۸۶ چاپ و در قالب ده فصل چاپ شده است، در فصل اول آن مبانی سیاسی، حقوقی و وضعیت امروز ناتو تشریح شده

^۱North Atlantic Treaty organization

است و در سایر فصول ساختار، نحوه تصمیم‌گیری و بودجه، گسترش و الحاق اعضای جدید، مشارکت و همکاری با کشورهای ثالث، ماموریت‌های جاری و نوین ناتو، روابط ناتو با سایر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین ناتو و جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

کتاب دیگر ناتو؛ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی است که به نویسندگی غلامرضا خادمی و توسط موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نو در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. در این کتاب به تاریخچه ناتو، مراحل و سیر تحولات ناتو و آن‌های پس از جنگ سرد، گسترش به سوی شرق، ایفای نقش در خاورمیانه و شمال آفریقا در دهه اخیر و سایر موارد مرتبط با ناتو تشریح شده است که ساختار نظامی و غیرنظامی ناتو در طی دوران پس از جنگ سرد روند تکاملی داشته است.

در کتاب ناتو در قرن بیست و یکم با نویسندگی سلیمه دارمی می‌باشد که توسط موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران چاپ و انتشار یافته است. این کتاب در قالب سه بخش ساختار و سازمان ناتو، نیروها و توانمندی‌های نظامی ناتو و همچنین مناطق حضور ناتو و در قالب دوازده فصل به این سازمان پرداخته است.

کتاب بعدی ناتو و محیط امنیتی ایران است که این کتاب از سه مقاله ناتوی جدید در معادلات بین‌المللی، حضور ناتو در محیط امنیتی ایران و ناتو و خاورمیانه تشکیل شده است و توسط افسانه احدی تنظیم و توسط ۸۳ پژوهشکده مطالعات استراتژیک در مهر ماه ۱۳۸۶ چاپ و انتشار یافته است. همچنین در این زمینه مقالات بسیاری در زمینه تاریخچه، ساختار تشکیلاتی ناتو، گسترش ناتو به شرق، روابط ناتو با روسیه و ... چاپ و انتشار یافته است که ذکر نام همه آنها در این مقاله امکانپذیر نمی‌باشد.

بررسی مطالعات علمی و پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که تحقیقی با موضوع "رژیم امنیتی ناتو و نقش آن در صلح و امنیت بین‌المللی" صورت نگرفته است و آنچه این مقاله را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد آینده‌نگری و تقویت نگرش راهبردی به موضوع تحقیق است.

۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر نظریه رژیم‌های بین‌المللی است، رژیم‌های بین‌المللی در واقع ادامه بحث نهادگرایی لیبرال و نولیبرال می‌باشد. ریشه این تحلیل‌ها در همگرایی، وابستگی متقابل و کارکردگرایی است. رژیم‌ها در همه مسائل مطروحه در نظام بین‌الملل مفهوم پیدا کرده‌اند و بعنوان ابزار مفیدی برای ایجاد همکاری میان دولت‌ها عمل می‌کنند. ارنست هاس، جوزف نای، رابرت کوهن و اورانگ یانگ هر یک تعاریفی از رژیم‌های بین‌المللی ارائه داده‌اند، اما تعریف کراسنر بعنوان یک تعریف استاندارد در محافل دانشگاهی

پذیرفته شده است. او رژیم‌های بین‌المللی را اینگونه تعریف می‌کند: "مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح یا تلویحی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری که بواسطه آنها توقعات بازیگران پیرامون موضوعات خاص با هم تلاقی پیدا نموده و خواسته‌های بازیگران را برآورده می‌سازد" (رضایی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

چهار مولفه اصلی یک رژیم عبارتند از:

- (۱) اصول مجموعه بیانات و اظهارات منسجم و تئوریک درباره چگونگی عملکرد جهان است.
 - (۲) هنجارها معیارهای کلی رفتار را مشخص می‌سازند و حقوق و تعهدات دولت‌ها را شناسایی می‌کنند.
 - (۳) قواعد در مقایسه با اصول و هنجارها در سطح پایین‌تری از کلیت قرار دارند و اغلب به این علت طرح می‌شوند تا تعارضاتی را که میان اصول و هنجارها وجود دارد برطرف کنند.
 - (۴) فرآیندهای تصمیم‌گیری به معنی دستورالعمل‌هایی برای رفتار است. وقتی یک رژیم به تدریج استوار می‌شود و توسعه می‌یابد، این فرآیندها بطور منظم تغییر می‌کنند (بیلیس و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۷۳-۶۷۲).
- رژیم‌های بین‌المللی در حقیقت، معلول دو عامل خاص بود. اولاً به علت اینکه دانشمندان در رشته سازمان‌های بین‌المللی دریافتند که نظریه‌های نهادگرایی کلاسیک مانند نوکارکردگرایی، رهیافتی ناقص و نامناسب برای درک و فهم چگونگی تشکیل و کارکرد نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بودند. ثانیاً، توجه به نقش و کارکرد رژیم‌ها، پاسخ و واکنش مستقیمی به نظریه نو واقع‌گرایی بود که از طریق رد هویت مستقل نهادهای بین‌المللی و نقش خودمختار آنها در نظام بین‌الملل بی‌نظم و خودیار، رهیافت نهادگرایی را به چالش طلبیده بود. به عبارت دیگر، نظریه رژیم‌ها برای پرداختن به موضوع همکاری‌های بین‌المللی و نهادسازی در یک نظام بی‌نظم متشکل از کشورهای دارای حاکمیت که در تلاش‌اند تا منافع و قدرت‌شان را به حداکثر برسانند، ارائه شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۷: ۵۶۹).

رژیم‌های بین‌الملل نماینده تلاشی در داخل سیستم بین‌المللی برای بسط ترتیبات همکاری از طرق رسمی و غیررسمی است. ممکن است رژیم‌ها از حیث ماهیت، رسمی یا مرکب از ترتیبات غیررسمی باشند. رژیم‌های رسمی ممکن است حاصل قانونگذاری سازمان‌های بین‌المللی باشند اینگونه رژیم‌ها ممکن است دارای شوراها و ساختارهای دیوانی حاکم باشند. رژیم‌های غیررسمی ممکن است برپایه تصور منافع مشترکی استوار باشند که تشریک مساعی در زمینه آن منافع، از جمله استراتژی‌های قابل‌گزینش برای شرکت‌کنندگان است، در نازل‌ترین سطح، تشریک مساعی نیازمند قواعد پذیرفته شده‌ای برای همکاری در جهت تحصیل اهداف معین و امتناع از برخی اقدامات است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۳: ۲۶۷-۲۶۶). مهمترین علل و عوامل برای تشکیل رژیم‌ها عبارتند از: قدرت و ساختار آن، منافع ملی، اجماع ارزشی و هنجاری، دانش و شناخت مشترک و عرف و عادات (دهقانی فیروزآبادی، پیشین: ۱۶۸). رژیم‌ها در پیچیده‌ترین وضعیت به صورت نهادها ظاهر می‌شوند و در ساده‌ترین حالت خود به شکل توافقات محدود میان دو یا چند کشور به وجود می‌آیند. بنابراین، می‌توان

رژیم‌ها را از جهت غایت به رژیم‌های مبتنی بر ترتیبات رسمی چندجانبه و نهادینه شده و رژیم‌های ساده و توافقی تقسیم نمود. رژیم‌ها بعنوان متغیر مستقل و متغیر واسطه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. در نقش متغیر واسطه‌ای، عواملی هستند که در چهارچوب قدرت مورد توجه‌اند و نقش آنها کمک به قدرت‌ها بویژه هژمون است، درحالی‌که در نقش متغیر مستقل، بعنوان عوامل همکاری، تولید و ارتقای منافع مطلق میان بازیگران در نظر گرفته می‌شوند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۴۱۹-۴۱۶). اما نکته مهم در رابطه با بحث این است که مهمترین نقش رژیم‌های بین‌المللی در ایجاد همکاری بین دولت‌هاست. یعنی رژیم‌ها بعنوان یک ابزار و مکانیسم، همکاری بین دولت‌ها را تسهیل می‌کند. زیرا باعث می‌شوند آن عامل عدم اطمینان و نامعلومی که در نظام بین‌المللی وجود دارد کاهش یابد. به همین دلیل آن دیدگاه‌های واقع‌گرایانه که در بازی معمای زندانی وجود دارد، مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد (سازمند، ۱۳۸۷: ۱۳۰). دامنه رژیم‌ها از مسائلی صحبت می‌کند که رژیم‌ها حاوی هستند. امروزه رژیم زیست محیطی، رژیم دریاها، رژیم نفت، رژیم پولی، رژیم امنیت، رژیم قضایی، رژیم هوانوردی، رژیم عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای، رژیم حقوق بشر و رژیم منابع طبیعی، از جمله رژیم‌های مطروحه هستند. بازیگران (آن) ممکن است دولت‌ها، بازیگران شخصی، افراد، شرکت‌های چندملیتی و یا سازمان‌های بین‌المللی باشند. ولی بطور کلی، بازیگران اصلی دولت‌ها هستند و رژیم‌های بین‌المللی در خدمت دولت‌ها. این رژیم‌ها هستند که بعنوان یک متغیر واسطه بین قدرت و دستاورد ۸۵ آن عمل می‌کنند و این رژیم‌ها هستند که ایجاد اقدامات امنیت و اعتمادسازی می‌نمایند (عسکرخانی، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۰۸). و رژیم‌های امنیتی^۱ وقتی شکل می‌گیرند که گروهی از کشورها برای حل اختلافات‌ها و جلوگیری از جنگ با یکدیگر همکاری می‌کنند تا تنگنای امنیتی ناشی از اقدامات آنها و فرضیات آنها درباره رفتارهای دیگران برطرف شود (بیلیس و دیگران، پیشین: ۵۷۵).

با وجود این، با شکل‌گیری رژیم‌های امنیتی متعدد در طول جنگ سرد، از سوی دیگر، موجب گشت تا نظریه رژیم‌ها برای تبیین رژیم‌های امنیتی بکار بسته شود. بگونه‌ای که می‌توان ادعا کرد پس از پایان نظام دوقطبی، کاربرد این نظریه برای تحلیل موضوعات و رژیم‌های امنیتی گسترش بیشتری نیز یافته است (دهقانی فیروزآبادی، پیشین: ۱۹۰-۱۸۹)، و در این زمینه می‌توان گفت یک موضوع دایمی از طرف ناتو در این زمان آن بود که ناتو به تعمیق پیوندهایش با سازمان همکاری اروپا، سازمان ملل و اتحادیه اروپای غربی نیازمند است تا تضمین کند که ناتو بطور مناسبی برای نیازهای امنیتی وسیع‌تر اعضایش باقی خواهد ماند. نهادینه-سازی یکی از ویژگی‌های متغیر هر رژیم است (یعنی میزانی که هنجارها و رویه‌هایش در درون یک ساختار و فرآیند بخصوص متشکل می‌شود). این ویژگی، ناتو را از سایر اتحادها متمایز می‌سازد. ناتو در محوریت یک

^۱ Security Regimes

رژیم امنیتی-آتلانتیکی قرار دارد، این رژیم برگرد یک تعهد بازدارندگی گسترش یافته آمریکا، دفاع پیش‌تاز در اروپا، همزیستی سیاسی با اتحاد شوروی سابق و سپس روسیه و تعهدات عظیم نظامی آمریکا استوار است که همه اینها براساس یک چارچوب تصمیم‌گیری به دقت هماهنگ شده، هدایت می‌شوند. شرکت کنندگان در رژیم می‌توانند رژیم‌ها را فراتر از مقاصد اولیه‌اش گسترش دهند و وسعت ترتیبات همکاری را اصلاح و یا وظایف جدیدی را اتخاذ و یا اهداف قدیمی را حذف کنند. همچنین اعضای ناتو از رژیم بعنوان اساس پیوند با بازیگران دولتی و غیردولتی به منظور تعقیب اهداف رژیم استفاده و شرکت کنندگان در رژیم می‌توانند آن را فراتر از مقاصد اولیه‌اش گسترش دهند و وسعت ترتیبات همکاری را اصلاح، و یا وظایف جدیدی را اتخاذ و یا اهداف قدیمی را حذف کنند (ب.مک کالا، ۱۳۷۸: ۱۴۲-۱۳۷). چنانچه ناتو به دنبال ادامه حیات است باید خود را براساس توزیع قدرت در جهان سازماندهی نماید و برخی بر این باورند که ناتو با ساختار جدید می‌تواند با خطرات و تهدیدات ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی مانند پسا تروریسم و بی‌ثباتی‌های سیاسی، منازعات قومی و داخلی به مقابله بپردازد (باقری، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

۳- اهداف و عملکرد (نقاط قوت و ضعف (ناتو)

مهمترین نقاط قوت و ضعف سازمان مذکور عبارتند از:

۳-۱- نقاط قوت

۱) ناتو برای انجام مطلوب کارکردهای جدید خود توانست با تعریف جدید از امنیت و تهدید و گسترش محدوده آنها و برپایه اصلاحات اساسی در ساختارها و وظایف خود، همچنان بعنوان یک نهاد امنیتی جدید ابقاء یابد.

۲) ارائه مفهوم نوین استراتژی مبنی بر تغییر وظایف و مأموریت‌هایش از "دفاع سرزمینی" به "دفاع از منافع جمعی اعضای جهان" ضمن برطرف کردن بحران هویت، ایجاد تغییراتی در ساختار خود را براساس شرایط نظام بین‌المللی نوین، از جمله پذیرش اعضای جدید، تاسیس شورای مشارکت ارو اتلانتیک، طرح مشارکت برای صلح و طرح گفتگو با کشورهای واقع در حاشیه جنوبی مدیترانه، خاور دور و آمریکای لاتین، آسیای مرکزی و قفقاز انجام داده و حوزه نفوذ خود را گسترش داد (افشاری و محمد حسینی، ۱۳۹۵: ۳۹).

۳) عضویت ۲۸ کشورها عضو اتحادیه اروپا در ناتو (www.europa.eu).

۴) برخورداری از ساختار متمرکز و انسجام درونی: ناتو یکی از پایدارترین و اثرگذارترین پیمان‌های نظامی-دفاعی معاصر به شمار می‌رود و دارای ساختاری متمرکز از نهادی نظامی و مدنی است (صراف یزدی، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۲).

۵) آمریکا تنها کشوری است که از نوعی "دسترسی" جهانی برخوردار است و در کلیه نقاط استراتژیک و مهم دنیا ناوگان دریایی، پایگاه هوایی و نیروی زمینی دارد و این امکان را نیز در اختیار دارد که در صورت پیش آمدن وضعیت اضطراری این نیروها را تقویت کند (پل کندی، ۱۳۷۲: ۴۱۷).

۶) برخورداری از سازمان رزم، پایگاه و امکانات وسیع نظامی در نقاط حساس و استراتژیک دنیا.

۷) دارای پشتوانه قوی در شورای امنیت سازمان ملل متحد (از ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد ۳ عضو آن در ناتو عضویت دارند).

۳-۲- نقاط ضعف ناتو

۱) ناتو براساس الگوی گسترش طولی (جغرافیایی) اعضای خود را افزایش داده و حوزه جغرافیایی جدیدی در نوردریده است اما در پیشبرد الگوی گسترش عمقی و تحکیم همبستگی درون سازمانی توفیق چندانی نداشته است و در صورت تحقق ناتوی جهانی، این سازمان آنچنان فراخ می‌شود که نتیجه آن گسست هویتی بیشتر، انسجام سازمانی کمتر و قدرت تصمیم‌گیری و عملیاتی ضعیف‌تر خواهد بود (شیرغلامی، ۱۳۸۶: ۸۱).

۲) تمایل اعضای سنتی اتحادیه اروپا (آلمان، فرانسه و ایتالیا) برای ایجاد ارتش مشترک اروپایی و توسعه نهادی و حقوقی آن.

۸۷

۳) آمریکا خواهان گسترش فعالیت‌های ناتو در سطح جهانی است؛ درحالی‌که اروپایی‌ها در زمینه بحران‌های خارج از منطقه اورآتلانتیک بیشتر خواهان دخالت به شکل موردی و نیز با هماهنگی و نظارت کامل سازمان ملل هستند (بزرگمهری و پورباغابری، ۱۳۹۳: ۶۶۱).

۴) فقدان یک دیدگاه مشترک میان اعضای ناتو در خصوص امنیت انرژی بعنوان یک مانع درخصوص افزایش نقش آفرینی ناتو در این حوزه محسوب می‌شود. و دولت عضو ناتو از دیرباز امنیت انرژی را موضوعی می‌دانند که هریک از اعضا باید به صورت مستقل در مورد آن تصمیم‌گیری و اقدام نماید. در این میان کشورهای اروپای شرقی به دلیل شرایط جغرافیایی و وابستگی دیرپا به نفت و گاز وارداتی از روسیه، با آسیب‌پذیری بالایی در امنیت انرژی خویش روبرو هستند (عثمان اف، ۱۳۹۵: ۴۰).

۵) در دوره پسا جنگ سرد دو فرایند گسترش جغرافیایی اتحادیه اروپا و ناتو به موازات هم در دستورکار اروپاگرایان و آتلانتیک‌گرایان غرب قرار گرفت. فرایند نخست یعنی گسترش جغرافیایی اتحادیه بر منطق اقتصادی استوار بود و فرایند دیگر یعنی گسترش ناتو از منطق امنیتی الهام می‌پذیرفت. این دو فرایند در برخی حوزه‌ها رقیب و در حوزه‌های دیگر مکمل یکدیگر محسوب می‌شدند. همین امر موجبات اصطکاک، تنش روابط فرآتلانتیکی را فراهم ساخته، سبب شد تا اتحادیه اروپایی در ابتدا با این فرایند که رهیافت اروپاگرایی را تحت‌الشعاع قرار می‌داد به مخالفت برخیزد (الماسی و عزتی، ۱۳۸۸: ۸).

- ۶) تردد نیروهای ناتو از قلمرو کشورهای رقیب برای انجام ماموریت‌ها و مدیریت بحران‌ها.
- ۷) ضعف کشورهای حامی ناتو و تاثیر آن بر ماموریت‌های ناتو در مناطق مختلف.
- ۸) تامین بیشتر هزینه‌های ناتو توسط ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای دیگر اروپایی و تاثیر آن بر ماموریت‌ها و کارکردهای ناتو.
- ۹) تشکیل نیروی مستقل اروپایی و تاثیر آن بر توانایی نظامی و عملیاتی ناتو.
- ۱۰) وجود منافع متضاد بین کشورهای عضو ناتو بویژه آمریکا با کشورهای رقیب و شکل‌گیری اتحاد بین آنها.
- ۱۱) خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بعنوان یک نیروی دفاعی امنیتی موثر.

۴- آینده نهادی (فرصت‌ها و چالش‌ها) ناتو

۴-۱- چالش‌ها

۱) از چالش‌های مهم ناتو در عصر جدید این است که ناتو براساس ماده پنج پیمان آتلانتیک شمالی ضامن اصلی امنیت اروپاست، ولی در صورت تشکیل نیروی مستقل اروپایی به تبع اتحادیه مشترک اروپا، ساختارهای فرماندهی نظامی ناتو به تدریج از میان خواهد رفت و رهبری ایالات متحده در عرصه سیاسی اروپا که هم اکنون از طریق ناتو آن را در اختیار دارد، کمرنگ خواهد شد (دهمشگی، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

۲) براساس گزارش گروه پژوهشی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، در سال ۲۰۳۵ نیاز اعضای ناتو به انرژی خلیج فارس از ۵۰ درصد کنونی به ۸۰ درصد خواهد رسید. همچنین خطوط انتقال انرژی نیز از مناطقی چون مدیترانه، خلیج فارس تا خاور آسیا می‌گذرد که ناتو خواهان حضور در آن مناطق است. در این پهنه عربستان، عراق و پاکستان می‌توانند نقش منطقه‌ای چشمگیر بویژه در زمینه تولید و انتقال انرژی برای اعضای ناتو بازی کنند (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

۳) تغییر ماهیت خطرها و تهدیدات پیش‌روی این سازمان از مواردی نظیر کمونیسم و بلوک شرق به مواردی همچون تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و بروز درگیری‌های قومی و اینک ترویج دموکراسی).

۴) سازمان همکاری شانگهای: بسیاری از نظریه‌پردازان منطقه‌ای معتقدند که تبیین روابط قدرت کنونی قدرت‌های بزرگ امروزی یعنی ایالات متحده، اتحادیه اروپا، فدراسیون روسیه و چین با یکدیگر نشان دهنده شکل‌گیری جنگ سرد نرم تازه‌ای میان کشورهای عضو ناتو به رهبری ایالات متحده و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به رهبری چین و روسیه است برخی پژوهشگران این سازمان را ورشوی امروزی می‌دانند. گرچه سازمان همکاری شانگهای هنوز از قواعد و ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به یک ناتو در شرق، فاصله بسیار دارد؛ ولی ساختارها، هدف‌ها و ترکیب اعضای آن بویژه در دوره تعمیق شکاف غرب و شرق

بگونه‌ای است که می‌تواند از هژمونی آمریکا در منطقه بکاهد و انتظار می‌رود این سازمان به تدریج به بازیگری تعیین کننده در عرصه اقتصادی و سیاسی فراتر از آسیای مرکزی تبدیل شود (آقایی و راهدار، ۱۳۹۴: ۲۰۸-۱۹۹).

۵) یکجانبه‌گرایی آمریکا و وجود اختلاف بین برخی کشورهای عمده اروپایی با آنکه موجب شکل‌گیری دو سطح تحلیل زیر شده است: اول اینکه تحولات پس از ۱۱ سپتامبر و اقداماتی که آمریکا در افغانستان و عراق به انجام رساند به این معنی است که آمریکا امیدواری چندانی به جمع‌آوری متحدان در چارچوب ناتو ندارد و از این پس بر روی ائتلاف‌های موقت سرمایه‌گذاری می‌کند. پل و ولفویتز (معاون اسبق وزارت دفاع آمریکا) در یکی از نشست‌های ناتو پس از حادثه ۱۱ سپتامبر گفت: ماموریت، ائتلاف را تعیین خواهد کرد. آمریکا متقاعد شده است که برای هر اقدامی باید روی ائتلاف خاصی از کشورها حساب باز کرد و این به معنای آن است که پیمان‌های دفاعی دائمی از نوع ناتو کارایی خود را از دست داده‌اند. دو اینکه یک ناتو با محوریت آمریکا، انگلیس، استرالیا، اسپانیا و کشورهای اروپای شرقی در حال شکل‌گیری است (مومن‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۶).

۶) جنگ سایبری: ماهیت پیچیده و متفاوت فضای سایبر، آسیب‌پذیری‌های جدی کشورهای عضو و نگرانی از تهدیدات سایبری سایر کشورها، به خصوص روسیه و چین. واقعیت این است که کشورهای عضو ناتو به‌رغم پیشرفته بودن در حوزه سایبری، جزء کشورهای آسیب‌پذیر در این حوزه محسوب می‌شوند. دلایل چندی در ۸۹ این زمینه قابل شناسایی هستند. اولین مورد به ماهیت متفاوت جنگ سایبری در مقایسه با جنگ‌های نظامی و کلاسیک برمی‌گردد خلاصه اینکه، به دلیل ماهیت متفاوت فضای سایبر، امکان بازدارندگی و انجام اقدامات پدافندی در این حوزه، حتی برای پیشرفته‌ترین کشورهای جهان میسر نیست. بر این اساس، در شرایطی که کشورهای ناتو بواسطه قدرت نظامی متعارف و غیرمتعارف گسترده خود، عملاً احساس امنیت نظامی دارند، اما چنین احساسی در حوزه سایبر برای آنها وجود ندارد. موضوع دوم به گستردگی استفاده از اینترنت و فضای سایبر در کشورهای غربی عضو ناتو برمی‌گردد. به هر حال، کشورهای عضو ناتو جزء پیشگامان استفاده از اینترنت و امکانات فضای سایبر در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و سطوح فردی و اجتماعی هستند. همین موضع باعث شده تمامی مراکز و موسسات حیاتی آنها تبدیل به اهداف بالقوه تهدیدات سایبری گردند (ترابی، ۱۳۹۴: ۱۴۳).

۷) نبود درک مشترک از تهدید میان اروپا و ایالات متحده آمریکا.

۸) باز ظهور تهدید روسیه و ضرورت ایجاد بازدارندگی در مقابل این کشور.

۹) کم‌رنگ شدن میزان تعهد ایالات متحده نسبت به ناتو در دوران ترامپ و به بیان دقیق‌تر، بی‌اطمینانی نسبت به میزان تعهدپذیری دولت ترامپ در رابطه با همکاری‌های دفاعی فرآتلانتیکی در قالب ناتو (سهراب، ۱۳۹۶).

۱۰) تبیین نقش‌ها و حوزه‌های عملی فراتر از گذشته، که از نظر حقوقی با منشور سازمان ملل متحد در تناقض است.

۱۱) استفاده ابزاری ناتو و بویژه آمریکا از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در راستای کسب مشروعیت برای اقدامات و سیاست‌ها و تامین منافع خود.

۴-۲- فرصت‌ها

۱) گسترش حوزه جغرافیایی عملکرد ناتو و تبدیل این سازمان منطقه‌ای به سازمانی فرامنطقه‌ای.
۲) تغییر ماهیت تشکیلاتی از تدافعی به تهاجمی و تغییر هدف استراتژیک آن از دفاع جمعی به امنیت جمعی که سیاستی اشاعه‌ای، برون‌گرا و پیش‌دستانه را طلب می‌کند (تیشه‌یار، ۱۳۸۴: ۱۷۵).

۳) توانایی ناتو در نهادسازی: با پایان جنگ سرد ناتو همزمان چند فعالیت عمده را دنبال کرد. تعارض‌های نظامی را در اروپای شرقی و مرکزی کنترل کرد، در برقراری ثبات و امنیت در کشورهای تازه استقلال یافته نقش مهمی ایفا نمود و توازن قوا میان رقبای قدیمی در اروپای غربی را حفظ کرد (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۲).

۴) ناتو در شرایط نوین بین‌المللی با ارائه تعریف جدیدی از تهدیدات علیه اعضای خویش، طیف وسیعی از موضوعات جهانی نظیر تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، اختلافات قومی و نژادی جرائم سازمان یافته بین‌المللی توريسم، مهاجرت و ... را بعنوان منابع جدید تهدید علیه منافع اعضای مورد شناسایی قرار داده و زمینه را برای ایفای نقش خویش در آن موارد نه تنها در دو سوی آتلانتیک، بلکه در هر منطقه‌ای از جهان که منافع اعضای آن اقتضا کند، فراهم ساخته است (افشاری و محمدحسینی، ۱۳۹۵: ۳۸).

۵) توانایی اعضای ناتو بویژه آمریکای شمالی (ایالات متحده) و اروپای غربی برای ورود در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

۶) حضور موثر اعضای ناتو در سازمان‌های بین‌المللی (شورای امنیت، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی).

۷) برتری صنعتی، اقتصادی، فنی و علمی اعضای ناتو (از ۷ کشور صنعتی جهان، ۶ کشور از آنها عضو ناتو هستند).

۸) برخورداری از توان مالی و اقتصادی و کمک به کشورهای عضو نهادهای وابسته به ناتو.

۵- نقش قدرت‌های بزرگ در ناتو

یکی از راه‌های ارزیابی قدرت یک کشور مقایسه قدرت آن با دیگر قدرت‌ها و بررسی جایگاه آن در نظام بین‌الملل می‌باشد. بی‌همتایی قدرت نظامی آمریکا در کنار قدرت اقتصادی قابل توجه این کشور در محیط بین‌الملل بعد از جنگ سرد در مجموع توان تأثیرگذاری سیاسی آن را افزایش داده است (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). تفوق قدرت آمریکا به این کشور اجازه می‌دهد که به سایر دموکراسی‌های غربی برای تشکیل و حفظ نهادهای سیاسی، مشوق‌های مثبت یا منفی ارائه کند. ناتو بعنوان یک نهاد چندمنظوره از ابتدای تاسیس با مدیریت و هدایت آمریکا و برای تامین منافع آن شکل گرفت و تحت کنترل و با سرمایه‌گذاری این کشور تداوم یافته و همواره ابزار مناسبی برای اعمال سیاست‌های آمریکا در قاره اروپا تلقی شده است. و پس از دهه ۱۹۹۰ جهان شاهد سیاست یکجانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین‌المللی است که گسترش ناتو را می‌توان از این دریچه بررسی کرد. ناتو مهمترین نهادی است که قادر به تثبیت و گسترش استیلای آمریکاست و کیسینجر آن را جایزه پیروزی در جنگ سرد می‌داند (مرادی، ۱۳۸۱: ۱۳۲-۱۳۱). همچنین با وجود برابر بودن نقش اعضا در ساختار تصمیم‌گیری ناتو، این سازمان، سازمانی الیتستی با برتری آمریکاست. این برتری از سوی اعضای ناتو به رسمیت شناخته شده است. کمابیش نیمی از بودجه ناتو را ایالات متحده تامین می‌کند و همه اعضای این سازمان بگونه‌ای به آمریکا نیازمندند از جمله در زمینه لجستیک و ترابری، ارتباطات ماهواره‌ای و تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی. امروز نیروهای دریایی، زمینی و هوایی آمریکا در ۱۴ کشور اروپایی حضور دارند و در سیاست‌های اروپا نقشی ویژه بازی می‌کنند. پس، عضویت کشورهای بیشتر در ناتو یا همکاری‌شان با آن، به معنای بهبود یافتن جایگاه بین‌المللی آمریکاست. چنانچه ناتو بتواند اعضای تازه‌ای از دیگر مناطق بیرون از اروپا بپذیرد آمریکا به جایگاه هژمونی نزدیکتر خواهد شد و در واقع، ناتو برتری آمریکا را نهادینه خواهد ساخت (سلیمانی و شجاع، ۱۳۸۹: ۹۷). آمریکا در استراتژی جهانی خود معتقد است، اگرچه رقابت‌های ابرقدرتی کاهش یافته و متعاقب آن مخاطرات امنیتی و تعهدات آمریکا نیز در بعضی جنبه‌ها کمتر شده است؛ اما مرزهای ناامنی آمریکا گسترش یافته است و به همین منظور ایالت متحده برای حضور و استیلای جهانی خود به مأموریت‌های جدید ناتو با تقویت بنیه دفاعی، تجهیزات پیچیده و مدیریت نوین برای مقابله با تهدیدات جدید متوسل شده است (محمدی، ۱۳۸۹: ۵۰-۳۰). دولت آمریکا و برخی کشورهای هم‌فکر آن در ناتو با اشاره به حضور و مشارکت برخی کشورهای غیرعضو ناتو در مأموریت‌های این سازمان از جمله در افغانستان استدلال می‌کنند که کمک این دسته از کشورها به ارزش‌های مورد حمایت و اهداف ناتو بعضاً از برخی کشورهای عضو سازمان بیشتر است لذا ناتو باید در مرحله جدید از گسترش خود، پذیرش این دسته از متحدان را در از خارج از حوزه اروپا همانند ژاپن، استرالیا، نیوزی لند، کره جنوبی و حتی رژیم صهیونیستی

را در دستورکار قرار دهد. این ایده بطور رسمی از سوی آمریکا، در نشست سران ناتو در ریگا (نوامبر ۲۰۰۶) مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت ولی بدلیل برخی مخالفت‌ها از جمله از سوی فرانسه مورد تایید قرار نگرفت و در بیانیه پایانی از این کشورهای کشورهای عنوان "کشورهای گروه تماس" اسم برده شد و بر گسترش و تعمیق روابط ناتو با آنها تاکید گردید. دولت‌های آمریکا و انگلیس در این نشست پیشنهاد کرده بودند که ناتو در گام اول بجای "شورای مشارکت ارو-آتلانتیک" شورای مشارکت جهانی را با مشارکت متحدان غیراروپایی تشکیل دهد و در گام بعدی درهای خود را به روی این کشورها و هر کشور دموکراتیکی در جهان که مایل و قادر به یاری ناتو در مسئولیت‌های جدید باشند، بگشاید (www.hum.ir). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی هنوز مهمترین عامل نفوذ و قدرت آمریکا در مناطق مختلف دنیا به شمار می‌آید و آمریکائی‌ها در پوشش این سازمان پایگاه‌های متعدد نظامی در جهان دارند که حمله به کشورهای افغانستان و عراق، حداکثر استفاده را برای نقل و انتقال نیروهای خود از آن به عمل آوردند.

برای ایالات متحده آمریکا، چندجانبه‌گرایی ابزاری است که هنگامی که بتواند از دستاورد منافع آمریکایی حمایت یا آرمان‌های خود را پشتیبانی کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. همانگونه که مادلین آلبرایت به کمیته سنا گفت: «هنگامی که تهدیدها افزایش می‌یابد، ممکن است از طریق سازمان ملل متحد، از طریق پیمان آتلانتیک شمالی یا همان ناتو، از طریق یک ائتلاف، از طریق ترکیبی از همه ابزارها به این تهدیدها پاسخ بدهیم یا ممکن است به تنهایی وارد عمل شویم. هر آنچه را که لازم بدانیم برای دفاع از منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا انجام خواهیم داد (سجادپور و آقامحمدی، ۱۳۹۴: ۱۷۹).

۹۲

۶- نقش ناتو در حفظ صلح و امنیت بین‌الملل در دوره‌های مختلف

در مقدمه پیمان واشنگتن ۱۹۴۹ آمده است دولت‌های امضاکننده این پیمان بر پابندی خود بر اهداف و اصول منشور ملل متحد تاکید کرده و تمایل خود را برای همزیستی با تمام ملت‌ها و دولت‌ها در صلح و آرامش اعلام می‌کنند. ما مصمم به حراست از آزادی، میراث مشترک و تمدن ملت‌های خود که براساس اصول دموکراسی، آزادی فردی و حکومت قانون پایه‌گذاری شده است، می‌باشیم. همچنین ما تصمیم داریم تلاش‌های خود را برای دفاع دسته جمعی و حفاظت از صلح و امنیت متحد نمایم (www.nato.into). در این زمینه علاوه بر فصل هشتم منشور ملل متحد که صریحاً به موافقتنامه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای می‌پردازد، ماده (۵۱) منشور در فصل هفتم در مورد شناسایی حق ذاتی دفاع از خود در برابر یک حمله مسلحانه بطور فردی یا جمعی نیز، مبنای حقوقی تشکیل سازمان‌ها و پیمان‌های نظامی منطقه‌ای همچون سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان سابق ورشو و غیره است علت آنکه دولت‌های عضو پیمان ناتو صراحتاً قصد خود را بیان کردند، این بود که طبق ماده (۵۱) منشور، اقدامات متخذه در دفاع از خود باید بلافاصله

پس از آغاز اقدامات به شورای امنیت گزارش شود، در صورتی که به موجب ماده (۵۴) منشور، موافقتنامه‌ها و موسسات منطقه‌ای ملزم‌اند فعالیت‌های خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را نه تنها پس از اقدام، بلکه قبل از آن، در مرحله تدارک نیز به شورای امنیت اطلاع دهند. از این‌رو، اعضای اصلی و اولیه ناتو به خصوص ایالات متحده آمریکا که حاضر به قبول چنین نتایجی نبودند، سازمان موردنظر خود را بر ماده (۵۱) منشور استوار نمودند. و ناتو بعنوان یک سازمان از نوع دفاعی، وظایف فصل هشتم منشور را از طرف شورای امنیت در بوسنی - هرزگوین عهده‌دار شد (شایگان و ممتاز، ۱۳۸۰: ۲۳۱-۲۲۷). سازمان ملل متحد یک سازمان بین‌المللی است که برای حفظ صلح بین ملت‌ها و ایجاد حقوق بین‌الملل و همکاری بین‌المللی تشکیل شده است، اما ناتو یک اتحاد نظامی و سیاسی متشکل از کشورهای مختلف است که برای مقابله با شوروی و کمونیسم ایجاد شده است. بطور کلی می‌توان نقش ناتو در حفظ صلح و امنیت بین‌الملل به دو دوره جنگ سرد و پساجنگ سرد تقسیم کرد که در ادامه به صورت اختصار به آن پرداخته می‌شود:

۶-۱- دوره جنگ سرد

در طول جنگ سرد، اصطلاح "مدیریت بحران" بیشتر از مأموریت دفاع جمعی ماده ۵ بکار برده می‌شد که نشان می‌دهد ناتو قصد داشت از هر مواجهه یا تجاوز احتمالی پیمان ورشو به یک نتیجه سریع با حداقل برخورد مسلحانه و استفاده از زور ویرانگر دست یابد. به دوره ماده (۶) پیمان آتلانتیک شمالی (که محدودیت‌های جغرافیایی تعهدات ماده (۵) را تشریح می‌کند) با تفسیر محدود کننده خود، عملیات‌های نظامی خارج از منطقه را ممنوع می‌کرد. این محدودیت به حفظ تداوم اتحادیه برای تمرکز روی اروپا و پرهیز از مناقشات داخلی در اتحادیه درباره منازعات استعمارزدایی و تعهدات غیراروپایی آمریکا به ویژه در آسیای شرقی و خاورمیانه کمک کرد. فعالیت اساسی اتحادیه در طول جنگ سرد دفاع از خاک ناتو علیه تهدید تجاوز یا استفاده از زور شوروی بود. همچنین در این راستا اعضا پیمان ناتو به کرات منافع خود را در دنبال نمودن تغییرات سیاسی مثبت در اروپا، از طریق جلوگیری از وقوع جنگ اعلام کردند؛ زندگی صلح‌آمیز با تمامی دولت‌ها و ملت‌ها، جستجوی راه‌حل‌های صلح‌آمیز و توسعه تغییرات صلح‌آمیز از جمله عباراتی است که در اعلامیه‌های رسمی ناتو در خلال سال‌های دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ بکار می‌رفت. این اهداف در طول دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ همواره توسط ناتو مورد تاکید قرار می‌گرفت. با این وجود در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ نگرش‌های غربی به تدریج در ارتباط با برخی مسائل کلیدی تغییر کرد: اهمیت نسبی کنترل تسلیحات و تغییرات ایجاد شده در نظم سیاسی اروپا و فرایند تغییرات در شرق از این قبیل می‌باشند (دارمی، ۱۳۸۶: ۲۹).

از سوی دیگر ناتو در اوج تقابل غرب و شرق در فضای متشنج رقابت‌های نظامی همچون مداخله شوروی در اوت ۱۹۶۸ در پراگ و پیش از آن در سال ۱۹۵۶ در مجارستان، سکوت کرد و تنها پس از حمله شوروی به چکسلواکی در اوت ۱۹۶۸، آن را مصداق تعدی به حقوق بین‌الملل دانست و یک سال بعد نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا، در بازدید از مقر ناتو در فوریه ۱۹۶۹ در نشستی با سران دولت‌های عضو پیمان آتلانتیک ابراز امیدواری کرد که دوره تنش ناشی از تقابل شرق غرب خاتمه یابد و به دوره تنش‌زدایی و مذاکره منتهی گردد. از این پس بود که بهبود روابط بین دو قطب به محور مطالعاتی پیمان ناتو تبدیل شد. در نشست وزرای دفاع کمیته برنامه‌ریزی دفاعی در بروکسل در ۲۸ مه ۱۹۶۹، استراتژی ناتو اینگونه مطرح شد: "اعتبار استراتژی کنونی ناتو بر پایه دفاع پیشرو و پاسخ مناسب به تهاجم است". البته در این چرخش آرام به سوی تنش‌زدایی، تغییرات غیرقابل چشم‌پوشی در شوروی و کشورهای اروپای شرقی و به بن‌بست رسیدن استراتژی‌های نظامی مبتنی بر رقابت‌های تسلیحاتی، بسیار تاثیرگذار بود. اگرچه دوره جدید تنش‌زدایی منجر به کاهش رقابت تسلیحاتی و همچنین کاهش (حضور) نظامی آمریکا در اروپا شد، اما توان رقابت تسلیحاتی پیشرفته غرب، روسیه را که موشک‌های میان‌برد SS-20 به طرف اروپا مستقر کرده بود، به تجدیدنظر وا داشت. اما استقرار موشک‌های جدید Trident D5 آمریکا به جای Trident D4 بنا به دستور ریگان، اتحاد جماهیر شوروی را در وضعیت جدیدی قرار داد (محمدی، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۳). بطور کلی فعالیت اساسی اتحادیه در طول جنگ سرد دفاع از خاک ناتو علیه تجاوز یا تهدید استفاده از زور شوروی بود و یا ماموریت‌های عمده ناتو (ماموریت ماده ۵) "آمدگی به منظور بازدارندگی و دفاع در صورت تجاوز علیه اتحادیه بود."

۶-۲- دوره پس از جنگ سرد

با فروپاشی اتحاد جماهیری شوروی و انحلال پیمان ورشو، سازمان ناتو از ماهیتی تهاجمی برخوردار شد که مغایر با اصول حاکم بر روابط میان دولت‌ها و متعاقب حاکمیت حقوق بین‌الملل در قرن بیستم بود. در واقع براساس معاهده ورسای (آوریل ۱۹۱۹) که به جامعه ملل حیات بخشید و براساس منشور سانفرانسیسکو (ژوئن ۱۹۴۵) که موجب پیدایش سازمان ملل متحد شد، به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی، هرگونه پیمان تعارضی میان دولت‌ها علیه همدیگر ممنوع و غیرقانونی اعلام گردید (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۱۵). با پایان یافتن جنگ سرد، مدیریت بحران بیشتر به معنی مداخله اتحادیه در منازعات فراتر از سرزمین متحدین بکار رفت، چنانکه واکنش جامعه بین‌المللی به تجاوز عراق به کویت در اگوست ۱۹۹۰ تحت حمایت سازمان ملل متحد سازمان یافت. تنها فعالیت نظامی که رسماً عملیات ناتو بود دفاع از ترکیه و متحدین علیه تجاوز عراق بود. در عملیات نظامی طوفان صحرا علیه عراق، آمریکا، انگلستان، فرانسه و ترکیه از مساعدت‌های ناتو بهره‌برداری کردند. با وجود این، در حال حاضر نقش ناتو در مدیریت بحران و عملیات‌های صلح افزایش

یافته و دستورکار آن عمدتاً با وقایع یوگسلاوی سابق پیش رفته است. از زمان پایان جنگ سرد، اصطلاح جدید "ماموریت‌های خارج از ماده ۵" به وجود آمد، زیرا اتحادیه آمادگی داشت در منازعات خارجی مداخله و از حفظ صلح و عملیات‌های دیگر با مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد و مشارکت سازمان امنیت و همکاری اروپا حمایت کند. با مداخله اتحادیه در یوگسلاوی سابق به ویژه در بوسنی، ناتو برای اولین بار مدیریت بحران و عملیات حفظ صلح در یک منازعه واقع شده در خارج از سرزمین هم‌پیمانان خود را به عهده گرفت. در این روند، ناتو به تغییر مفاهیم و مفهوم‌سازی جدید با هدف تطبیق نقش و مأموریت خود با شرایط بحرانی جهان از یکسو و حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد از سوی دیگر پرداخت. این مفاهیم متناسب با تحول در نظام جهان بود این دگرذیسی مفهوم از دفاع جمعی به امنیت جمعی که مفهوم نخست ناظر بر وظایف و اختیارات سازمان‌های منطقه‌ای و دوم ناظر بر وظایف و اختیارات سازمان ملل بطور اعم و شورای امنیت بطور اخص است و همچنین خلط مبحث ایجاد شده در فاصله دو اجلاس لندن ۱۹۹۰ و رم ۱۹۹۱ و پس از تصویب مفهوم استراتژیک اتحادیه، چرخشی جدی در اهداف این سازمان ایجاد کرده است؛ در حالیکه مفهوم استراتژیک اتحادیه (۱۹۹۱) همچنان بر دفاعی بودن محض سازمان در پیگیری اهداف تأکید می‌کرد. این عبارت از مفهوم استراتژیک جدیدتر حذف شد. گرچه ناتو برخی از اهداف خود را با اهداف منشور ملل متحد یعنی برقراری صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و منطبق کرده است، اما مفهوم دفاع ۹۵ دسته جمعی مبتنی بر اصل ۵۱ منشور را به امنیت دسته جمعی که در حیطه صلاحیت شورای امنیت است، ارتقا داد و در نقش سازمان‌های منطقه‌ای اصل ۵۳ از فصل هشت منشور ظاهر شد، بدون آنکه نظر و نظارت حقوق نهاد‌های بین‌المللی بر آن مرتبط باشد (محمدی و عسگرخانی، ۱۳۹۵: ۲۱۱-۲۱۰). در دوره پس از جنگ سرد و واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تحولات گسترده‌ای در مفاهیم، ماموریت‌ها، ساختار و استراتژی ناتو به وقوع پیوسته است؛ از جمله در بند ۳۱ سند مفهوم جدید استراتژیک ناتو که به مناسبت پنجاهمین سالگرد ناتو تصویب شد، ارائه تعاریف جدیدی از مفاهیمی نظیر "دفاع از ارزش‌های مشترک"، "امنیت دسته جمعی" و "تهدیدات جدید" را بر ماموریت‌های فرآتلانتیکی ناتو اساسی دانست. تهدیدات جدید شامل تروریسم، ناسیونالیسم افراطی، مواد مخدر، بی‌ثباتی سیاسی، منازعات قومی، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، قاچاق تسلیحات و مهاجرت بی‌رویه که تعهد دولت‌های عضو ناتو بر تامین امنیت در برابر این تهدیدات را افزایش می‌دهد، شامل می‌شود (محمدی، پیشین: ۱۶).

ناتو با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر کوشید به اهداف نوین خود شکل عینی‌تر بدهد و در همین راستا راهبرد اقدام در "خارج از قلمرو" تصویب کرد و با پذیرش رهبری نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان (ایساف) و حضور رسمی در افغانستان، نخستین تجربه عملی اقدام "خارج از قلمرو" را به نمایش گذاشت. ناتو با این

عملیات، در واقع وارد مرحله جدیدی از فرایند تغییر و دگردیسی خود شده است و مقامات این سازمان بر این اعتقاد هستند که ناتو قصد دارد با تجربیات حاصل از ماموریت افغانستان، خود را برای قرن ۲۱ تعریف و منابع و ساختارهای خود را با ماموریت‌های جدید منطبق سازد. همچنین همکاری گسترده با سازمان ملل و دیگر بازیگران بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا بخشی جدایی‌ناپذیر از مشارکت ناتو در "رویکرد جامع" برای مدیریت و عملیات بحران است ناتو و سازمان ملل متحد از دوازده سال پیش، در زمینه حمایت از عملیات صلح و مدیریت بحران با هم همکاری داشته‌اند قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل ماموریت عملیات ناتو در بالکان غربی، افغانستان، لیبی و همچنین چارچوب مأموریت آموزشی ناتو در عراق را فراهم کرده‌اند؛ همچنین ناتو از کمک‌های لجستیکی به عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در دارفور، سودان و سومالی حمایت؛ و از عملیات امدادرسانی سازمان ملل متحد در پاکستان پس از زلزله عظیم در سال ۲۰۰۵ پشتیبانی کرده است. همکاری عملی بین ناتو و سازمان ملل متحد از مدیریت عملیات بحران فراتر رفته و شامل ارزیابی و مدیریت بحران، همکاری‌های نظامی و مدنی، تعلیم و تربیت، مبارزه با فساد در بخش دفاع، اقدام علیه مین، کاهش تهدید ناشی از دستگاه‌های انفجاری دست‌ساز، توانایی‌های غیرنظامی، نقش زنان در صلح و امنیت، حمایت از غیرنظامیان، از جمله کودکان، درگیری‌های مسلحانه، مبارزه با خشونت‌های جنسی و جنسیتی، کنترل تسلیحات و عدم تکثیر و مبارزه با تروریسم است. البته از سوی دیگر در سایه سیاست‌های یک‌سویه آمریکا و استراتژی حملات پیش‌دستانه آن کشور، سازمان ملل متحد به کنار رانده شده است؛ و ناتو به رهبری آمریکا سرگرم تبیین نقش‌ها و حوزه‌های عملی فراتر از گذشته است که از نظر حقوقی با منشور سازمان ملل متحد در تناقض است (ایمانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳)، و برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که ناتو در آینده کارکرد سازمان ملل را برعهده خواهد گرفت، چراکه سازمان ملل توانایی جلوگیری از وقوع درگیری‌ها را ندارد و این ناتو است که با برخورداری از قدرت اقتصادی و نظامی می‌تواند بلافاصله در صحنه حوادث بین‌المللی حضور یافته و به بحران‌ها فیصله دهد (مومن‌زاده، پیشین: ۴۵).

ناتو به تشکیل شورای مشارکت اروپا-آتلانتیک، تاسیس برنامه مشارکت برای صلح، اتخاذ سیاست درهای باز و پذیرش اعضای جدید، تعمیق و گسترش همکاری با روسیه، اوکراین و دیگر شرکا، تاسیس برنامه گفتگوی مدیترانه، اصلاحات در ساختار نظامی و غیرنظامی ناتو، تشکیل نیروی واکنش سریع، تدابیر جدید در زمینه مبارزه با تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی برنامه تقویت و منطبق‌سازی توانمندی‌های نظامی سازمان، برنامه همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، معرفی ابتکار همکاری استانبول، برنامه دفاع موشکی و غیره از جمله تصمیمات و اقداماتی بود که ناتو برای تامین ثبات و امنیت در منطقه اروپا-آتلانتیک و پیرامون آن اتخاذ نمود و در راستای آن ماموریت‌های جدید و بی‌سابقه‌ای را عهده‌دار گردید (طباطبایی و محمودی، پیشین: ۶۶-۶۷). نگاهی به آمارهای موجود به خوبی بیانگر این واقعیت است که پیمان آتلانتیک شمالی

بعنوان نهادی با قدرت عمل اجرایی گسترده و با نفوذ سیاسی و اقتصادی پر دامنه در سطح نظام بین‌الملل، در دهه‌های پیش‌رو می‌تواند از چه توان عمل عظیمی برخوردار باشد و در اجرای اهداف و مقاصد خود، تا چه حد موفق عمل کند. در چنین وضعیتی، تلاش کشورهای مختلف جهان در اقتصاد نقاط دنیا جهت نزدیکی به این نهاد قدرتمند بین‌المللی و گشودن باب گفتگو با اعضای آن در راستای تامین منافع و امنیت ملی خود، باتوجه به وسعت حیطه اختیارات و ماموریت‌های ناتو، به خوبی توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد (تیشه‌یار، پیشین: ۷). دبیرکل سابق ناتو، یاپ دوهوپ شفر در کنفرانس ناتو در دوحه قطر در مورد تغییر ماهیت ناتو گفت: در طول جنگ سرد، تمرکز ما بر ممانعت از وقوع جنگی عظیم در اروپا بود امروز ناتو بسیار متفاوت شده است ما متعهد به یک سلسله مأموریت‌های متنوع هستیم (طباطبایی و محمودی، پیشین: ۶۷-۶۶)؛ همچنین در مورد نقش ناتو در ایجاد نیروی واکنش سریع اتحادیه عرب با حدود ۴۰۰۰۰ نفر نیرو، معاون دبیرکل ناتو با اشاره به روابط ناتو با کشورهای ائتلاف سنی (در جنگ یمن) و راه‌اندازی ابتکار همکاری استانبول، گفته است ناتو همکاری خوبی با کشورهای حوزه خلیج فارس دارد و روابط فعلی در قالب مشاوره، انجام تمرینات مشترک، تبادل اطلاعات مشترک، پشتیبانی مادی و کمک‌های کلی (Stavridis, 2015).

همچنین شرکت فعال نیروی دریایی ایالات متحده در محاصره دریایی یمن، سوخت‌گیری هوایی، افزایش و تبادل اطلاعات، هدایت، مشاوره و پشتیبانی لجستیکی، تسریع در تحویل سلاح‌ها به عربستان، ایجاد مرکز برنامه‌ریزی و هماهنگی مشترک در مرکز عملیات عربستان سعودی از جمله اقدامات آمریکا در جنگ یمن است و در این راستا مجلس نمایندگان و کنگره ایالات متحده در تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۱۷، دخالت ایالات متحده در یمن را تحت قانون مبارزه با تروریسم را تصویب و مجاز دانسته است. بریتانیا نیز علاوه بر حمایت‌های دیپلماتیک، یکی از بزرگترین تامین کنندگان اسلحه برای عربستان سعودی است. گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۶ نیروهای ایالات متحده را به نقض قوانین جنگی متهم کرده است و همچنین در این راستا سناتور کریس مورفی نیز آمریکا را متهم به همدستی در فاجعه انسانی یمن کرد. و از سوی دیگر گزارش سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر حاکی است که از تسلیحات ساخت بریتانیا برای اهداف غیرنظامی استفاده می‌شود (Wikipedia, 2018). در جنگ ائتلاف سعودی علیه یمن کشورهای آمریکا، انگلیس، برخی کشورهای عضو همکاری استانبول و مدیترانه مشارکت دارند.

۷- ناتو و آینده آن

۱) افزایش روند پیوستن اعضاء جدید به ناتو، برتری و هژمونی آمریکا را بیش از گذشته تقویت و این امر به تداوم سیاست‌های یکجانبه‌گرایی آن کشور کمک خواهد نمود تا اهداف و منافع خود را در زیر نقاب و پوشش سازمان‌های بین‌المللی پیگیری و دنبال نماید.

۲) ناتو با برخورداری از قدرت اقتصادی - نظامی و همچنین توان پیشگیری و مدیریت بحران‌ها، در حال افزایش نقش خود در صحنه بین‌الملل است و در صورت ادامه این روند؛ در آینده کارکرد سازمان ملل را برعهده خواهد گرفت، و از سوی دیگر سوابق گذشته و اقدامات یکجانبه ناتو به رهبری آمریکا این واقعیت را نشان می‌دهد که باتوجه به حضور ۳ کشور از اعضای دائم شورای امنیت در ناتو، توسل به فصل هفتم منشور و استفاده ابزاری از شورای امنیت و وضعیت‌های گوناگون را "تهدید بر صلح" توصیف و افزایش خواهد یافت و در صورت عدم موفقیت در این زمینه، به صورت یکجانبه و بدون کسب موافقت سازمان ملل اقدام خواهند کرد و با این وضعیت جهان در آینده امن نخواهد بود.

۳) باتوجه به توان رزمی، لجستیکی نیروهای ناتو و استقرار آنها در آبراه‌ها و گلوگاه‌های مهم دنیا، نگاه به شرق اعضای ناتو و بویژه آمریکا بیش از گذشته تقویت و در اولویت نخست آن قرار خواهد گرفت و در چارچوب سیاست‌های جدید امنیتی آمریکا بخشی از نیروهای مستقر در اروپا و خلیج فارس مناطق مذکور را ترک و در مناطق جدید و با اولویت شرق دور بویژه کره جنوبی و ژاپن انتقال خواهند یافت.

۴) افزایش همکاری و همگرایی سیاسی نظامی در بین اعضای ناتو، همکاری اقتصادی تجاری را دنبال خواهد داشت و این امر از یکسو به جهانی شدن اقتصاد و توسعه نظام سرمایه‌داری کمک خواهد کرد. از سوی دیگر باتوجه به توانمندی بالای اقتصادی اعضای ناتو، استفاده از تحریم بعنوان مکانیزم و ابزاری برای مهار و مقابله با کشورهای مستقل و رقیب بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵) تهدیدات سایبری، تروریسم (بویژه گرگ‌های تنها و شبکه‌های تک‌سلولی) و جنگ‌های هیبریدی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی ناتو خواهند بود.

۶) در صورت ادامه سیاست یکجانبه‌گرایی آمریکا و تشکیل ارتش اروپایی (با محور آلمان، فرانسه و ایتالیا)، ناتو با محور آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا، کشورهای اروپای شرقی و خاور دور تقویت و این روند به افزایش همکاری بین ناتو بویژه آمریکا و نهادهای وابسته به آن کمک خواهد کرد و پیش‌بینی می‌شود ناتو در گام اول ایده نشست ریگا (نوامبر ۲۰۰۶) را اجرایی؛ و "شورای مشارکت جهانی" را جایگزین "شورای مشارکت اروپا-آتلانتیک" خواهد نمود و متحدان غیراروپایی شامل ژاپن، استرالیا، نیوزیلند، کره جنوبی و رژیم صهیونیستی به عضویت ناتو درخواهند آمد و در گام بعدی درهای خود بر روی هر کشوری که پیش‌شرط‌های

پذیرش در ناتو (که پیاده‌سازی اقتصاد بازار آزاد، تجارت خارجی و برخورداری از سطح متوسط و قابل قبولی از اقتصاد است) در جهان را داشته باشند باز خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از روش‌های توصیفی، تاریخی و تحلیلی در چارچوب نظریه رژیم‌های بین‌المللی چالش‌ها، فرصت‌ها، نقش قدرت‌های بزرگ در سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و تاثیر آن بر صلح و امنیت بین‌المللی را مورد بررسی و واکاوی قرار داده است. رژیم‌های بین‌المللی از ابزار و عوامل موثر در ایجاد و تسهیل همکاری بین دولت‌ها محسوب می‌شوند. شرکت کنندگان در رژیم می‌توانند رژیم‌ها را فراتر از مقاصد اولیه‌اش گسترش دهند و وسعت ترتیبات همکاری را اصلاح، و یا وظایف جدیدی را اتخاذ و یا اهداف قدیمی را حذف کنند. در این راستا ناتو با بازتعریف تهدیدات بین‌المللی و توانایی در تطبیق خود با شرایط روز بین‌المللی، تغییر وظایف و ماموریت‌هایش از "دفاع سرزمینی" به "دفاع از منافع جمعی اعضای جهان"، برخورداری از سازمان رزم، پایگاه و امکانات وسیع نظامی در نقاط حساس و استراتژیک دنیا، گسترش کمی و کیفی سازمان، برخورداری از پشتوانه قوی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، حضور موثر اعضای آن در سازمان‌های بین‌المللی (شورای امنیت، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی)، برتری^{۹۹} صنعتی، اقتصادی، فنی و علمی اعضای آن، توانایی در نهادسازی، توانست از یک سازمان منطقه به یک سازمان و رژیم بین‌المللی و جهانی تبدیل شود. اما در این روند تشکیل نیروی مستقل اروپایی، گسترش جغرافیایی اتحادیه اروپا و ناتو به موازات هم، سازمان همکاری شانگهای، جنگ سایبری، عدم درک مشترک از تهدید میان اروپا و ایالات متحده آمریکا، وجود منافع متضاد بین کشورهای عضو ناتو، باز ظهور تهدید روسیه، خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، کم‌رنگ شدن میزان تعهد دولت ترامپ نسبت به ناتو، از مهمترین چالش‌های فراروی ناتو به شمار می‌روند.

از سوی دیگر ناتو از ابتدا با مدیریت و هدایت آمریکا و برای تامین منافع آن کشور شکل گرفت و استمرار آن در دوران پساجنگ سرد در همین چارچوب مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ناتو مهمترین نهادی است که قادر به تثبیت و گسترش استیلای آمریکاست و این برتری از سوی اعضای ناتو به رسمیت شناخته شده است. و عضویت کشورهای بیشتر در ناتو یا همکاری‌شان با آن در قالب گروه تماس، به معنای بهبود یافتن جایگاه بین‌المللی آمریکاست؛ و در واقع، ناتو برتری آمریکا را نهادینه خواهد ساخت. در طول جنگ سرد ماده ۶ پیمان آتلانتیک شمالی با تفسیر محدود کننده خود، عملیات‌های نظامی خارج از منطقه را ممنوع می‌کرد؛ و عمده ماموریت‌های ناتو آمادگی به منظور بازدارندگی و دفاع در صورت تجاوز علیه اتحادیه بود. اما در دوره

پس از جنگ سرد، سازمان ناتو از ماهیتی تهاجمی برخوردار شد که مغایر با اصول حاکم بر روابط میان دولت‌ها و متعاقب حاکمیت حقوق بین‌الملل در قرن بیستم بود و دگرذیسی مفهوم از دفاع جمعی به امنیت جمعی که ناظر بر وظایف و اختیارات سازمان ملل و بویژه شورای امنیت می‌باشد را بدنبال داشت. با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ناتو به اهداف نوین خود شکل عینی‌تر بخشید و در همین راستا راهبرد اقدام در "خارج از قلمرو" را تصویب کرد و همکاری گسترده با سازمان ملل و دیگر بازیگران بین‌المللی بخشی جدایی‌ناپذیر از مشارکت ناتو در "رویکرد جامع" برای مدیریت و عملیات بحران است؛ همچنین ناتو و سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از عملیات صلح و مدیریت بحران باهم همکاری داشته‌اند قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل مأموریت عملیات ناتو در بالکان غربی، افغانستان، لیبی و همچنین چارچوب مأموریت آموزشی ناتو در عراق را فراهم کرده‌اند؛ همچنین ناتو از کمک‌های لجستیکی به عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در دارفور، سودان و سومالی و ... حمایت کرده است.

از سوی دیگر، ناتو به رهبری آمریکا سرگرم تبیین نقش‌ها و حوزه‌های عملی فراتر از گذشته است که از نظر حقوقی با منشور سازمان ملل متحد در تناقض است. از این دیدگاه آمریکا می‌کوشد با افزایش شمار اعضای ناتو در قالب گروه تماس، به سیاست‌ها و اقدامات خود مشروعیت ببخشد و دوستان بیشتری در کنار خود داشته باشد. و با پوشش و استفاده ابزاری از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بدنبال تامین منافع خود می‌باشد بطوریکه مدلین آلبرایت در این زمینه گفته است: «هنگامی که تهدیدها افزایش می‌یابد، ممکن است از طریق سازمان ملل متحد، از طریق پیمان آتلانتیک شمالی، از طریق یک ائتلاف، از طریق ترکیبی از همه ابزارها به این تهدیدها پاسخ بدهیم یا ممکن است به تنهایی وارد عمل شویم. ما هر آنچه را که لازم بدانیم برای دفاع از منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا انجام خواهیم داد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آقای، داوود و راهدار، حسین (۱۳۹۴)، «نقش سازمان همکاری شانگهای در برقراری نظم مبتنی بر موازنه قدرت در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، ش ۲.
- ۲- افشاری، عبدالرحمن و محمدحسینی، مهناز (۱۳۹۵)، «روابط ناتو با شورای همکاری خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، س ۲۳، ش ۱
- ۳- الماسی، مسعود و عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۸)، «وجود منافع متضاد اقتصادی - سیاسی در بین اعضای ناتو»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، س ۶، ش ۲۴.

- ۴- ایمانی، همت (۱۳۸۹)، «گسترش ناتو و آثار آن بر سیاست‌های امنیتی روسیه»، **فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، ش ۲۷۲.
- ۵- باقری، مریم (۱۳۸۹)، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرامنطقه‌ای ناتو: چالش‌های فرارو، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.**
- ۶- برژینسکی، زیگنیو (۱۳۸۶)، **انتخاب (سلطه یا راهبری)**، مترجم: امیرحسین نوروزی، تهران: نشر نی.
- ۷- بزرگمهری، مجید و پورباغابری، عباس (۱۳۹۳)، «بررسی روابط اتحادیه اروپا و ناتو، چالش‌ها و فرصت‌های موجود»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۴، ش ۳.
- ۸- بلیس، جان و دیگران (۱۳۹۵)، **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۹- ترابی، قاسم (۱۳۹۴)، «تکامل راهبرد ناتو در قبال جنگ سایبری؛ دلایل، ابعاد و مولفه‌ها»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، س ۱۸، ش ۱.
- ۱۰- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۸۴)، «بررسی پیامدهای حضور ناتو در همسایگی ایران (با تأکید بر تحولات عراق)»، **فصلنامه مجلس و پژوهش**، س ۱۲، ش ۴۷.
- ۱۱- دارمی، سلیمه (۱۳۸۶)، **ناتو در قرن بیست‌ویکم**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۱۲- دورترتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۹۳)، **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، تهران: انتشارات قومس.
- ۱۳- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۷۷)، «نظریه نهادگرایی نئو لیبرال و همکاری‌های بین‌المللی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، س ۱۲، ش ۳.
- ۱۴- دهمشگی، جلال (۱۳۸۰)، **استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱**، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی، مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۵- رضایی، علیرضا (۱۳۹۱)، **نظم بین‌المللی در تئوری و عمل**، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
- ۱۶- سازمند، بهاره (۱۳۸۷)، «مطالعه سازمان‌های بین‌المللی از چشم‌اندازهای تئوریک»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۸، ش ۲.
- ۱۷- سجادی‌پور، سیدمحمد کاظم و آقامحمدی، زهرا (۱۳۹۴)، «شورای امنیت، قدرت‌های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد: چارچوب‌های مفهومی و کارکردهای عملیاتی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، س ۸، ش ۲۸.
- ۱۸- سلیمانی، فاطمه و شجاع، مرتضی (۱۳۸۹)، «آمریکا و گسترش نقش امنیتی ناتو در جهان»، **فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، ش ۲۷۲.

- ۱۹- سهراب، سعدالدین (۱۳۹۶)، «بررسی سناریوهای چهارگانه راهبردهای دفاعی آینده اروپا»، ایران- یوریکا
 موسسه ایرانی مطالعات اروپا و آمریکا، قابل دسترسی در:
<https://www.eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=592>
- ۲۰- شایگان، فریده و ممتاز، جمشید (۱۳۸۰)، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین-
 المللی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۱- شیرغلامی، خلیل (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی داخلی گسترش ناتو»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،
 ش ۵۹.
- ۲۲- صراف یزدی، غلامرضا (۱۳۸۱)، «ناتو: گذشته، حال و آینده»، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷۸.
- ۲۳- طباطبایی، سید محمد و فتحی، محمدجواد (۱۳۹۳)، «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد براساس
 مکتب کپنهاگ»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، س ۵، ش ۱۴.
- ۲۴- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار
 معاصر.
- ۲۵- عثمان اف، فرید (۱۳۹۵)، «امنیت انرژی؛ دستورکار رهبران جدید ناتو»، ماهنامه گستره انرژی، ش ۱۱۶.
- ۲۶- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۵)، رژیم‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات مخاطب.
- ۲۷- کولایی، الهه و تیشه‌بار، ماندانا (۱۳۸۵)، «دگرگونی ژئوپلیتیکی و تحول در مأموریت‌ها، ساختار و کارکرد نهادهای
 بین‌المللی (نمونه موردی: ناتو)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۲، ش ۴.
- ۲۸- کندی، پل (۱۳۷۲)، در تدارک قرن بیست و یکم: تصویر جهان تا سال ۲۰۲۵، مترجم: عباس مخبر، تهران:
 انتشارات طرح.
- ۲۹- محمدی، محمود (۱۳۸۹)، «پیوند آمریکا، ناتو و سایر سازمان‌های بین‌المللی: با نگاهی به آینده پژوهشی در روابط
 بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، س ۱۱، ش ۲.
- ۳۰- محمدی، محمود و عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۵)، «تحول در مأموریت‌های ناتو و ضرورت تقویت رژیم نظارتی در
 حقوق بین‌الملل (راهبرد مسئولیت‌پذیری ناتو)»، فصلنامه راهبرد، س ۲۵، ش ۸۱.
- ۳۱- محمدی، محمود (۱۳۸۹)، اثر مأموریت‌های جدید ناتو بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران،
 تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۳۲- مرادی، مریم (۱۳۸۱)، «گسترش ناتو به شرق و پیامدهای امنیتی آن»، فصلنامه مجلس و پژوهش، س ۹،
 ش ۳۵.
- ۳۳- مک کالا، رابرت (۱۳۷۸)، «پایایی ناتو پس از جنگ سرد»، مترجم: علی اسماعیلی، فصلنامه سیاست دفاعی،
 ش ۲۸.

۳۴- مومن‌زاده، رضا (۱۳۸۳)، «راهبرد نوین ناتو و آثار آن بر سیاست‌های دفاعی امنیتی ایران»، ماهنامه نگاه، س ۴، ش ۴۸.

۳۵- یزدانی، عنایت‌اله و دیگران (۱۳۹۴)، «دلایل گسترش ناتو به خاورمیانه؛ مطالعه موردی خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات سیاسی، س ۸، ش ۳۰.

لاتین:

36- Stavridis, James (2015), The Arab NATO, <http://foreignpolicy.com>

37- Saudi Arabian-led intervention in Yemen, Wikipedia February 2018

38- www.wikipedia.org/wiki/Saudi_Arabian-led_intervention_in_Yemen

39- www.europa.eu

40- www.hum.ir

41- www.nato.int

